

● گزارش‌ها و تحلیل‌ها

سیاست جدید و نقش تاریخی ادیان

در جهان بعد از ۱۱ سپتامبر

مشخص کرده و مقاله با یادآوری مختصری مربوط به تحلیل سیاست جهانی خاتمه خواهد یافت.

مفهوم کلی سیاست جدید

حدود چهل سال بعد از جنگ دوم جهانی سیاست بین‌المللی مبتنی بر اصل مناقشات شرق و غرب و به دو بلوک مخالف تقسیم شده بود. این دوگانگی و این دو قطب بودن سیاسی فرصت بررسی موقعیت مناقشات دوجانبه را به‌گونه‌ای به‌وجود می‌آورد که هر دسته و گروه جهانی در یکی از دو قطب

عده‌ای عقیده دارند که بعد از ۱۱ سپتامبر جهان عوض شده و مثل سابق نیست. در واقع باید سیاست جهانی دگرگون و با مفهومی نو همراه با تلاش‌های جدید و منطبق با توقعات کنونی دنیا ارائه گردد.

هدف از این اظهارنظر کوتاه ارائه خطوط اصلی و دگرگونی سیاست قبلی و پیشنهادات جدید سیاسی است که منطبق با توقعات به‌وجود آمده بعد از چالش‌های ناشی از پیامدهای واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی است. طرح اولیه کارهای انجام شده اصولی را که باعث ایجاد تلاش‌های جدید خواهد شد

جای می‌گرفت.

اگر گروه‌ها و یا کشورهای سعی می‌کردند قدرت سومی خارج از دو بلوک به وجود بیاورند به اتهام این که برای یکی از گروه‌های ابرقدرت کار می‌کنند و یا این که متهم به کمونیست بودن و یا طرفداری از کاپیتالیسم می‌شدند و بالاخره جذب یکی از دو ابرقدرت می‌گردیدند که بیشترین گرایش به سوی گروه‌های چپ بود.

بنابراین سیاسی بودن مستلزم تجزیه و تحلیل مسایل روزمره زندگی مردم به عنوان علایم نشان‌دهنده یک منطقی و یا یک استراتژی عقلانی بود که حتی با تخریب کردن مسایل اقتصادی ایدئولوژیکی و در صورت لزوم نظامی منجر به غلبه بر حریف مقابل می‌شد. در واقع زمینه برتر برنامه‌ریزی‌های عقلانی با یک واقعیت عینی و مردمی بود که در آن محاسبه استراتژیک منبع رهنمودها می‌شد. دنیایی که کاملاً به طرف سکولاریسم پیش می‌رفت و دین و احساسات، حق مداخله و اظهارنظر نداشت و کاملاً در قلمرو خصوصی و فردی بود.

عقیده عمومی بر این بود که نه‌چندان دور مفهوم دنیای سکولار گسترش و بر تفکرات قومی و سیاسی ساکنان کره زمین فائق گردد.

سقوط رژیم شاه در ایران و انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ تمام تفکرات و برنامه‌ریزی‌های قبلی را مورد بحث قرار داد. ولی به‌زودی افکار عمومی متوجه مفهوم قدیم سیاسی درباره یک نوع بحث فلسفی ممکن بر مبنای عقل گردید و از ماورالطبیعه و دین هم کمک نگرفت.

عقیده عمومی بعد از حل دوگانگی ایدئولوژیکی بین دو ابرقدرت بر این بود که صلح بر روی کره زمین سایه افکننده و دنیا بنا به عقیده مارشال مک لوهان به صورت «دهکده جهانی» درآمده که در آن هماهنگی و تفاهم بین انسان‌ها به وجود خواهد آمد. ولی سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹، اعلام فسخ پیمان ورشو و کمی بعد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی غیرمنتظره بود و به قول فرانسیس فوکویاما پایان تاریخ را رقم نزد بلکه دنیا را وارد مرحله جدیدتری کرد. بایستی قبول کرد که دنیای بدون ایدئولوژی اختلافات زیادی را تحمل کرد و کاپیتالیسم فاتح و بازار جهانی در حال گسترش، در برابر عوامل دیگر همچون بنیادگرایان مذهبی (مارتن مارتی و اسکات آپولی) در مناقشه بود و یا به قول ساموئل هانتینگتون با «برخورد تمدن‌ها» متوسل به مکتب‌های دینی برای دسته‌بندی انتقادانشان شد.

فلسفه اخلاق جهانی، تعلیم و تربیت و آموزش
عدم خشونت.

توقعات قضاوت و داوری

تجزیه و تحلیل‌های مختلفی که به دنبال
سوءقصد‌ها به دست تروریست‌های اسلامی
انجام گرفته نشان می‌دهد که این اعمال از
محرومیت‌ها، احساس خواری و شرمساری و
خشم و انتقام نشأت می‌گیرد و به نظر آنها تنها
راه مبارزه از بین بردن و خسارت زدن به رقیب
است. توقعات محلی، منطقه‌ای و جهانی آنها در
توزیع عادلانه سرمایه‌ها، منافع ملی، عدالت
اجتماعی، دادگستری و شرکت در
تصمیم‌گیری‌های عینی برای وضع بهتر و
مناسب‌تر محرومان، فقرا و حاشیه‌نشینان جامعه
است که در واقع به خاطر آنها مبارزه می‌کنند.
اگر در این بازه فکری نشود تعداد
کسانی که متوسل به زور می‌شوند و یا کسانی که
از زندگی مناسب رنج می‌برند و کسانی که به
نیابت از آنها دست به ترورهای مسلح و یا یک
نوع اعتراض شدید می‌زنند زیاد خواهد شد.

بنا به عقیده متخصصان، بنیادگرایان
مذهبی در اغلب موارد به همان اعمالی دست
می‌زنند که سابقاً آمریکایی‌ها و متحدان اروپایی

بازگشت به دین و ادیان از سال‌ها قبل
شروع و منتظر زمان بود. واقعه ۱۱ سپتامبر دنیا
را متوجه کرد تا دوباره درباره مفهوم سیاسی آن
تأمل کند.

گفتگو «با» و «بین» ادیان به متخصصان
رده بالای سیاسی محدود نشده بلکه برای هر
انسان سیاسی کاربرد خواهد داشت زیرا سیاست
جدید اجازه نخواهد داد که فقط عقل و منطق بر
آن حاکم باشد. برعکس سیاست جدید باید در
باره دین و پیروان آن مطلع شود تا بهتر بتواند در
زمینه‌های سیاسی آن فعالیت کند. به نظر
می‌رسد که یونسکو می‌تواند مرکز ملاقات‌ها و
عملیات ایده‌آل برای گفتگو بین ادیان و تمدن‌ها
باشد تا بتواند با نتیجه‌گیری از توقعات و
آرزوهای آنها با سازمان ملل متحد که در واقع
مجمع سیاست جهانی است گزارش دهد.
سیاست جدید باید یونسکو را وادار کند تا
اعمال و حرکات سیاست جدید را دسته‌بندی
کرده و خطوط اصلی آن را مشخص نماید.

تلاش‌های جدید سیاسی

سیاست جدید جهانی برای شروع
گفتگو «با» و «بین» ادیان باید سعی کند به سه
هدف اصلی برسد: توقعات قضاوت و داوری،

آنها در جهان اسلام به نام کمونیسم و یا سوسیالیسم با آنها مبارزه می‌کردند، در صورتی که در حال حاضر به دین متوسل می‌شوند تا اتهامات و انتقادات آنها را دسته‌بندی کنند. این دگرگونی ظاهری موقعیت جدیدی را منعکس می‌کند.

در این که تئوری مارکسیسم بر مبنای مبارزه طبقاتی اجتماعی پایه‌گذاری شده بود و همیشه به عنوان مثال مسأله استثمارگر و استثمارشده و نابرابری‌های اجتماعی ذکر می‌شد، تردیدی نیست. توضیح فوق با واقعیت موجود مطابقت ندارد زیرا گودالی که بین طبقات استثمارگر، حاشیه‌نشینان و طردشدگان اجتماع وجود دارد روزبه‌روز عمیق‌تر و بزرگ‌تر می‌شود بدون این که فرصت فعالیت‌های اجتماعی به گروه استثمارشده داده شود. طبقات محروم و حاشیه‌نشین یا در واقع استثمارشده هیچ وسیله‌ای برای جنگ با قدرت‌ها برای دریافت حق و منافع خودشان در اختیار ندارند و فقط اتهامات اخلاقی برای آنها در جهان باقی می‌ماند و همچون گذشته مدافعی به نام کمونیسم هم ندارند. بعد از جریانات سال‌های ۱۹۹۰ کاپیتالیسم جایگزین و یکه‌تاز میدان‌های سیاسی و اقتصادی شد.

در چنین موقعیتی ادیان و به‌خصوص اسلام به کمک محرومان، حاشیه‌نشینان و طردشدگان اجتماع برخاسته و سخنگوی آنها شد و صدایش را بلند کرد تا به گوش جهانیان برساند که این نوع حیات از دیدگاه عدالت اجتماعی و از دیدگاه رسالت انسانی قابل توجیه نیست. رسالت انسانی این که پینابه آیه ۳۰ از سوره بقره «نایب خدا» بر روی زمین و در تورات در آیه ۶ از گفتار اول هم «نقش و تصویر خداوند» است.

مسلم است که چنین رسالتی نمی‌تواند نه فدای استراتژی بازار مصرف‌گردد و نه به دایره تباهی موقعیت‌ها و داده‌های مادی محدود باشد. شایستگی و لیاقت انسان متوقع احترام همگانی است و ادیان برای دفاع از وی هم‌صدا می‌شدند و بر علیه افراط و زیاده‌روی‌های اقتصادی اعتراض می‌کنند. تا زمانی که قضاوت و احترام برای انسان وجود نداشته و موقعیت شوم و اسفبار برای اکثر مردم در کشورهای غنی و فقیر کره زمین موجود باشد، ادیان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

در صورتی که سیاست جدید نخواهد در روابط سیاسی داخلی و بین‌المللی کشورها فاجعه و ناراحتی به‌وجود بیاید باید به ندای

است. باید گفت که کمک و یاری از ادیان برای تعلیم و تربیت انسان در یک اقدام و کوشش همه‌جانبه بهبودی و احترام به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی لازم برای فرد و کل جامعه است.

تعلیم و تربیت و آموزش عدم خشونت

رونه ژیرار در اثر مشهورش به نام «خشونت و تقدس» به جنبه تنظیم‌کننده دین اشاره می‌کند که می‌تواند خشونت مهار نشده را محدود و تحت انقیاد درآورد. در واقع زمان آن رسیده است که به خشونت‌های در حال تزايد و بدون حدود مرز توجه شود. وقتی متوقع هستیم که اشکال جدید تمدن راه‌حلی برای رفع مناقشات باشد باید این اشکال و قالب‌ها در واقع امیدبخش و موفقیت‌آمیز بوده تا بتوانند بر خشونت‌های بی‌حد و حصر غلبه کنند. بالاخره رابطه بین قدرت و منافع به گونه‌ای تنظیم گردد که مورد تأیید و قبول هم باشد. در نتیجه، تلاش عظیم تعلیم و تربیت باید در این راه به کار گرفته شود و جامعه بین‌الملل برای رسیدن به چنین هدفی نیاز به فضایل اخلاقی ادیان و حمایت آنها دارد.

اشتباه نکنیم که انجام چنین امری

انتقادات بیان شده به وسیله ادیان گوش فرا داده و متوجه نیازهای انسانی و اجابت آن باشد.

فلسفه اخلاق جهانی

سیاست جدید نمی‌تواند و نباید فقط به شکوه‌ها و ناراحتی‌های گروه‌ها و اعتراضات آنها گوش فرا دهد بلکه باید جهت‌یابی مناسب خوب اخلاقی در برابر چالش بزرگ پیشرفت و امکانات علمی و فنی به وجود بیاورد. کافی است که به طرح اخلاقی که توسط هانس کانگ به‌عنوان کارشناس و عالم دینی و بیانیه مربوط به «اعلامیه‌ای برای اخلاق جهانی» در پارلمان ادیان جهان که در چهارم سپتامبر ۱۹۹۲ در شیکاگوی ایالات متحده آمریکا به امضا رسیده توجه کرده و متوجه تلاش‌های عظیمی که از آن ناشی می‌شود باشیم.

ادیان هرچند که در بعضی از موارد متفاوت هستند ولی در قوانینی که برای رفتار و اخلاق انسان‌ها وضع شده هم عقیده‌اند. در نتیجه ادیان ذخیره بزرگی از هدایت و راهبری اخلاقی و ارزش‌های انسانی را دربر دارند و همیشه به انسان تعلیم داده‌اند که چگونه وی به مرتبه انسانیت برسد و در زندگی خصوصی و یا اجتماعی راه‌های خوب را به وی نشان داده

مستلزم وقت زیادی است. وقتی به دگرگونی‌هایی که در طول تاریخ به وقوع پیوسته می‌نگریم متوجه می‌شویم که چندین دهه لازم است تا کادر اجتماعی و یا سیاسی یک منطقه جابجا و دگرگون شود. تحولات اجتماعی در سطح گسترده نیاز به زمان بیشتری دارد و به طور قطع در اینجا از تحولاتی که در روی کره زمین در طی میلیون‌ها سال به وجود آمده صحبت نمی‌کنیم. باید برای اصلاح و دگرگونی اجتماعی، هرچند گران، اما مورد نظر اقدام اساسی کرد و از شکست‌ها و واکنش‌های پشت سر هم مأیوس نشد. تلاش‌های سیاست جدید با اصول ضمنی به طور تنگاتنگ مرتبط است که باید به اطلاع عموم برسد.

اصول سیاست جدید

تلاش مذکور بدون مقدمه اصول ضمنی و الزامی قابل اجرا نیست، ما فقط به سه اصل مهم اشاره می‌کنیم که عبارتند از: صلح، هنجارهای اخلاقی و ارتقای انسانیت.

صلح

معنی صلح تنها فقدان جنگ نیست بلکه یک نوع هماهنگی و عدالت اجتماعی بین

انسان‌ها است. در این که عدالت اجتماعی بین انسان‌ها مستلزم یک نوع هماهنگی بین گروه‌های اجتماعی است شکئی نیست. بی‌عدالتی‌های علنی و آشکار خطر بزرگی برای جوامع است، حتی اگر مطالبات و درخواست گروه‌های فقیر، مطرود و حاشیه‌ای با قدرت سرکوب گردد. تاریخ در این مورد شاهد زنده‌ای است زیرا هر رژیمی که با زور و ستم مستقر شود دوام و استمرار نخواهد داشت و دیر یا زود تنش‌های داخلی به مبارزات منجر و با سازش و مصالحه برای رضایت احزاب مخالف خاتمه می‌یابد.

اگر جهان را در وضع موجودش مدنظر قرار دهیم متوجه می‌شویم که مطالبات حاشیه‌نشینان، درماندگان و طبقات پایین جامعه خطر بزرگی برای صلح جهانی است. باید گفتارشان را شنید و به درخواستشان جامه عمل پوشاند، زیرا این خود نشان‌دهنده همدردی با آنها و ایجاد شرایط لازم و زمینه مساعد برای صلح پایدار در یک جامعه به عنوان روابط بین اقوام خود آن جامعه و جهان است.

گوش کردن به تقاضاهای مربوط به عدالت اجتماعی بر اصل بسیار ساده و ابتدایی استوار است که صلح نمی‌تواند بدون عدالت

مرجع برای اعمال و کردار خوب انسان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و تخلف و سرپیچی از آن به عنوان عمل خلاف ضرر و زیان به زندگی جوامعی می‌زند که بر مبنای هماهنگی و خوشبختی پایه‌ریزی شده است.

هرچند که فهرست محتوای ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی موجود در ادیان نمی‌تواند در این مقاله ذکر گردد ولی به‌طور اجمالی باید گفت که آموزش‌های اخلاقی در تمام ادیان چه دارای دکتترین یکتاپرستی باشند و چه چندگانه پرستی و دارای دکتترین شخصیتی همچون برهمنی و یا مکاتب هندوئی، هم عقیده هستند که اعمال انسان تابع غرایز شخصی نیست بلکه تابع اراده آزادی فردی است که در آن انسان مسؤول اعمالش می‌باشد و ایمان به ادیان باعث از بین رفتن ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد.

ارتقاء بشریت

آموزش با موفقیت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی توسط مربیان خوب باعث ترقی بشریت است و تنها آموزش می‌تواند انسان را به سوی جهت‌یابی خوب اخلاقی اعمالش هدایت کند. انسان همچون حیوانات تابع غرایز نیست بلکه از طریق اراده و پرورش

اجتماعی پابرجا و استوار باشد. ادیان در وضعیت موجود جهان بیشتر از قبل سخنگوی طبقات محروم جوامع هستند و باید به صورت رقبای سرسخت و برتر در پی مطالبات اجتماعی و بی‌عدالتی بوده و آنها را به گوش نشست‌های بین‌المللی برسانند. ادیان به عنوان بالاترین مرجع درخواست حق، عدالت و ارزش‌های اخلاقی و انسانی تا زمانی که صلح و عدالت در جهان پایدار نباشد ملزم به مبارزات سیاسی هستند.

هنجارهای اخلاقی

نقش ادیان به عنوان بالاترین مرجع ارزش‌های اخلاقی و انسانی اتفاقی نیست و با نقش و مأموریت اصلی آنها هماهنگی دارد. اکثر ادیان در برهه‌ای از زمان این رسالت را به عهده داشته‌اند خواه این ادیان دارای شریعت باشند و خواه در راه رستگاری بشریت.

آموزش ادیان بر همه روشن است؛ زیرا بر احترام و نظم جهان پایدار است و لایتنقطع تکرار می‌کند که انسان باید مطیع این نظم و قانون باشد تا صاحب و مالک آن گردد. تمام تکالیف، وظایف و حقوقی که قبلاً بر مبنای اصول مسایل دینی دسته‌بندی شده‌اند به عنوان

می‌تواند به شکوفایی‌های مثبت ظرفیت‌های فردی‌اش برسد و در غیر این صورت به سوی خرابکاری و خوی پست حیوانی رهنمون خواهد شد.

یکی از بزرگترین وسوسه‌های شیطانی انسان برای حل مشکلاتش توسل به‌زور است به طوری که در تمام ادیان سعی شده است که انسان را از این خطر وسوسه به‌دور نگاه دارد و از این رو راه‌حل‌های مختلفی ارائه گردیده است. ژیرار در این مورد به مقید کردن انسان به دین و تحت انقیاد درآوردن اراده انسان اشاره می‌کند و در بعضی از موارد از ضرب‌المثل مشهور «آش نخورده دهن سوخته» مدد می‌جوید که انسان دارنده اراده قوی و متدین و تربیت یافته و آموزش دیده نمی‌تواند تحت تأثیر غرایز حیوانی‌اش باشد. در بعضی موارد که اراده تحت تأثیر مسایل دینی قرار می‌گیرد ممکن است وی را به خشونت و مقابله به مثل همچون شرکت در جهاد وادار کند. در بعضی از ادیان همچون دکترین آهیسا (مکتب گاندی) و آئین بودایی توسل به‌زور منع شده است.

گفتگو با و بین ادیان می‌تواند اثرات مثبت و ثمربخشی داشته و انسان را به سوی رفتار دینی و اجتماعی رهنمون کرده و وی را در

حل مشکلات اجتماعی یاری کند.

هدف اصلی از این مقاله طرح‌ریزی خطوط اصلی سیاست جدید جهانی است که بعداز حوادث و وقایع سال‌های اخیر لازم به نظر می‌رسد در برنامه‌ریزی سیاست‌های منطقه‌ای، ملی یا بین‌المللی به‌کار گرفته شود، چرا که تنها به عقل و منطق متکی بودن کافی نیست. مدد گرفتن از ادیان راهکارهای بهتر و اجتماعی‌تری را پیشنهاد می‌کند و هدف اصلی تلاش‌های جدید برای نیل به عدالت اجتماعی، اخلاق خوب جهانی، تعلیم و آموزش خشونت‌زدایی است.

با تعریفی که از سیاست جدید ارائه می‌گردد، یونسکو دارای نقش مهمی است و با ارائه و نتایج مذاکرات به سازمان ملل متحد می‌تواند نقش مهمی در حل معضلات اجتماعی جوامع موردنظر داشته باشد. در سیاست جدید علوم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همراه تاریخ و تاریخ ادیان خواهند توانست چالش‌های به‌وجود آمده و اعتراضات انجام شده به‌نام دین را بررسی کرده و راه‌حل‌های مناسب را جستجو کنند.

مقاله از: پی‌تر آنتس

ترجمه: حامد رضیعی

سفارت جمهوری اسلامی ایران - پاریس